

بچه های باغ محله

نمایشنامه برای نوجوانان

مجید سرسنگی

www.ketab.ir

سرسنکی، مجید، ۱۳۴۶ -

بچه های باغ محله : نمایشنامه برای نوجوانان / مجید سرسنکی. --
تهران: انتشارات شبکه هنر، ۱۳۸۴.

ISBN 964-95022-6-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴. عنوان.

مب ۵ ر ۸۰۹۵/ PIR ۸۵۲/۶۲

۱۳۸۴

۳۵۳۴۴-۸۴م

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: بچه های باغ محله

نویسنده: مجید سرسنکی (استادیار گروه آموزشی هنرهای نمایشی دانشگاه تهران)

ناشر: شبکه هنر (وابسته به موسسه فرهنگی هنری عصر اندیشه)

پست الکترونیکی: info@asreandishe.ir

وب سایت: www.asreandishe.ir

تلفن: ۸۸۷۰۸۹۸۰-۹

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵

چاپ و صحافی: ارمغان بصیر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۹۵۰۲۲-۶-۲

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

(کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است)

بچه های باغ محله را، سالها قبل نوشته بودم. سالهایی که هنوز اربابه ی جنگی دشمن در خاکمان جولان می داد و بچه های باغ محله روزشان را در انتظار بازگشت پدر، یا در سوگ یک هم محله ای دیگر می گذراندند و شب که می شد، تفریحشان آن بود که دور از چشم بزرگترها، در ظلمت خاموشی های حمله ی هوایی موشکهای عراقی، به پشت بام بخیزند، رد موشکها را که می رفت تا محله ای دیگر را سیاه پوش کند، بگیرند و بعد با صدای انفجاری هولناک، بغضشان را مثل نفسشان در سینه حبس کنند.

این نمایشنامه، تا پای اجرا هم پیش رفت، اما اجرا نشد. نمی دانم چرا؟! یعنی راستش را بخواهید یادم نیست. شاید به خاطر اینکه تعدادی از بچه های گروهی که کار را تمرین می کردند، دلشان هوای خاک و جل خاکریزهای شلمچه را کرد، یا اینکه تمرین این کار مصادف شد با اتفاقات آخر جنگ، و تلخی و سختی آن لحظات ما را از صرافت صحنه انداخت. هر چه بود نتیجه اش آن شد که بچه های باغ محله در همه ی این سالها برایم جزو خاطرات تلخ و شیرین آن روزگار باقی بماند، تا دوستی که بوی قدیمی همان خاطرات را می دهد پیدا شود و پاییچ، که آنرا منتشر کنم.

باغ محله نامی است که من به یکی از جنوبی ترین محله های تهران داده بودم. محله ای با باغی قدیمی، در قلب منطقه ای شلوغ و فقیر نشین که محل جمع شدن بچه ها بود. باغی که خاطره ی درختان کهنسالش و نسیمی که از لابه لای آنها، روح را نوازش می داد و آسمان آبی اش و جوی آبی که آرام جاری بود و ابتدا و انتهای باغ را به هم وصل می کرد، هنوز در یادم هست. و این نمایشنامه را برای اولین بار زیر یکی از همان درختان پیر برای بچه های باغ محله خواندم. و امروز یک بار دیگر آنرا به همان بچه ها، که صداقت آبی چشمانشان، الهام بخش دست نوشته های آن روزگارم بود، تقدیم می کنم.

مجید سرسنگی

خرداد ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار، تهران